

§46.2. Scan Text #46 again to find the Persian equivalents for these English words and phrases, which appear on the list in the same order as they appear in Text #46.

§46.2.1. (paragraphs 1-9)

1. expansion of Islamic civilization .....
2. establishment of civil society .....
3. constitutional order/system .....
4. clash of civilizations .....
5. dialogue between/among civilizations and cultures .....
6. realization/actualization of world justice and freedom .....
7. establishment/putting into position and  
expansion/development of civilization .....
8. struggle against/war on terrorism .....
9. harmonious politics/politics of expanding relations with  
neighbors .....
10. the process of growth and expansion/development .....

§46.2.1.2. Find the Persian terms that you could not find in Text #46 in the list of answers here.

بَسْطِ تَمَدُّنِ إِسْلَامِي، تَأْسِيسِ جَامِعَةِ مَدَنِي، نِظَامِ مَشْرُوطِيَّتِ، جَنْگِ تَمَدُّنِهَا، كَفْتِ وَگُوِي مِيَانِ تَمَدُّنِهَا وَ فِرْهَنگِهَا، تَحَقُّقِ عِدَالَتِ وَ آزَادِي جَهَانِي، اِسْتِقْرَارِ وَ تَوْسِيعِ مَدَنِيَّتِ، مُبَارَزِهِ بَا تِرُورِيسِمِ، سِيَاَسَتِ موزُونِ كَسْتَرِشِ رَوَابِطِ بَا هَمْسَايِگَانِ، فَرَايِنْدِ رُشْدِ وَ تَوْسِيعِ

§46.2.2. (paragraphs 10-19)

1. such a new viewpoint/point of view/vantage point .....
2. the new generation .....
3. possibility of realization/actualization .....
4. the effects [of] and being affected by specimens of cultures .....
5. climatic conditions .....
6. the creation and spreading of misunderstanding .....
7. a pile/mass of rocks and dirt/soil .....

§44.5. Answer these comprehension questions about Text #44.

۱. دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق چه مدت بود؟
۲. پس از کودتای مرداد 1332 عمر دکتر مصدق چگونه گذشت؟
۳. «حقیقت» و «واقعیت» در زمان دکتر مصدق چه بوده است؟
۴. نویسنده کتاب «همه مردان شاه» چه ارتباطی بین حادثه 11 سپتامبر و کودتای مرداد 1332 می‌بیند؟

§44.6. Text #44.

«نبرد بین حقیقت و واقعیت یا راز جاودانگی دکتر مصدق»

شگفت آنکه دکتر مصدق چه در دوران کوتاه نخست‌وزیری خود که از دو سال و هفت ماه تجاوز نکرد و چه پس از کودتای مرداد ۱۳۳۲ که عمر او در زندان و تبعید در ملک شخصی‌اش سپری شد، هیچ‌گاه از تهمت و ناسزای زبان‌درازان و قلم‌بمزدان دوران ۳۵ ساله استبداد پهلوی و دوران کنونی ۲۸ ساله استبداد ولایت مطلق آخوند در امان نماند و حتی محمدرضاشاه و خمینی هم بی‌اعتنا به افکار عمومی نتوانستند جانب احتیاط نگه دارند و از ابراز علنی کینه و نفرت خود نسبت به دکتر مصدق خودداری نکردند. راز محبوبیت و جاودانگی خاطره دکتر مصدق در وجدان تاریخی جامعه ایرانی آنجایی است که دکتر مصدق هنگامی که در برابر نبرد سرنوشت‌ساز بین حقیقت یا ملی شدن و استیفای کامل حقوق مردم ایران در صنعت نفت و واقعیت یا تن دادن به نوعی ملی شدن یا چشم‌پوشی از حقیقت به نفع ادامه حضور بیگانه قرار گرفت، دوام بر حقیقت و ایستادگی را برگزید همان‌گونه که در مجلس پنجم شورای ملی در مخالفت با استقرار سلطنت استبدادی سردار سپه از اعتقاد به آزادی و آرمان‌های انقلاب مشروطیت دفاع کرد. از نگاه به این نکته که در بزنی تاریخی سرنوشت انسانها، چگونه شکست‌خوردگان عرصه حقیقت به محبوبیت جاودانه می‌رسند و پیروزمندان میدان واقعیت به زباله‌دانی تاریخ می‌افتند، مرا به یاد تازمترین واقعه در زمینه این پرسش یا مسأله پرسش‌برانگیز (پرلماتیک) می‌اندازد، و آن حرکت زین‌الدین زیدان ستاره درخشان تیم ملی فوتبال فرانسه در جام مسابقات جهانی فوتبال ۲۰۰۶ است که چگونه پایمردی بر حفظ حقیقت وجودی خویشتن خویش را بر واقعیت مصلحت و منفعت جمعی ترجیح داد، یعنی از پیروزی ظاهری خود به قیمت شکست اصول اخلاقی خویش امتناع ورزید.

در این مسابقه که سرنوشت برنده جام جهانی فوتبال مشخص می‌شد، برتری تیم فرانسه در حال و هوای بازی میان دو تیم پر از رقیب و چرخش و واچرخش‌های ماهرانه و زیبایی زیدان آشکار بود، اما ناگهان در گرم‌گرم بازی زیدان از پشت بازیکن مهاجم ایتالیا چند گام به جلو برداشت و از روبه‌رو سرش را بر شکم رقیب خود کوبید و او را از پشت بر زمین انداخت، یک لحظه سکوت و بهتی سنگین سراسر استادیوم عظیم و دهها هزار تماشاچی آن را فراگرفت و لختی نگذشت که داور مسابقه با کشیدن برگ قرمز حکم اخراج زین‌الدین زیدان قهرمان محبوب مردم فرانسه را از زمین مسابقه صادر کرد، مسابقه ادامه یافت و بازی بدون حضور زیدان به نفع تیم ایتالیا به اتمام رسید.

در ظاهر قضیه عمل زیدان یعنی تخطی از مقررات قانونی بازی و حمله بدنی یا فیزیکی به رقیب، تیم فوتبال فرانسه را با تمام بختی که برای برنده شدن و بردن جام قهرمان جهانی مسابقات داشت محروم کرد، اما در باطن، زیدان بدون توجه به این موقعیت حساس و افتخارآفرین برای ورزش فرانسه و تیم ملی آن به ظاهر عنان اختیار را در برابر فحش‌های ناموسی و توهین‌های لفظی که در طی لحظات بازی از رقیب یاهوگوی خود شنیده بود، به کف احساسات خود سپرد اما در باطن واقعیت در دسترس یا پیروزی محتوم تیم

بیست twenty (20)	پاتک counter-attack
بیست و دو twenty-two (22)	پادشاه king
بیستم (the) twentieth	پارتی بازی getting results through nepotism/cronyism
بیسوادی illiteracy	پارس barking; bark
بیش more <i>adj</i>	پارلمان parliament
بیش از more than <i>prep</i>	پاره torn, worn out, ragged; part, piece
بیش از آن که more than that <i>conj</i>	پاره شدن to get torn, to tear <i>vi</i>
بیشتر more	پاریس Paris
بیشترین most; the greatest part	پاس داشتن to recognize
بیَشک undoubtedly, without doubt, doubtlessly; doubtless	پاسخ answer, reply, response
بیقرار restless, uneasy, unstable	پاسخ دادن to answer
بیقراری restlessness, uneasiness, impatience, instability	پاسدار sentry, guard
بیکاری unemployment	(پاشیدن to scatter, to sprinkle)
بیگانه boundless, shore less	پاکسازی to undertake a purge, to purge sb/sth
بیگانگان foreigner, alien, expatriate; foreign, alien, expatriate <i>adj</i>	پاکستان Pakistan
بیگناه innocent, not guilty	پاکیزگی cleanliness
بیلان balance sheet	پاک clean, pure, spotless, unblemished
بیم fear, dread	پاکسازی cleansing
بیم داشتن to fear, to dread <i>vi</i>	پاکسازی گردیدن to be purged
بیمار ill, sick, indisposed, in poor health, under the weather <i>adj</i> ; patient <i>n</i>	پاکستانی Pakistani
بیمارستان hospital, infirmary	پاگرفتَن (of a business, etc.) to get to a stage that runs smoothly, to get established
بیماری illness, disease, sickness	پانزده fifteen (15)
بیمه کردن to insure	پانزده هزار fifteen thousand (15,000)
بین space between two things	پای ... لنگیدن to limp <i>vi</i>
بین between <i>prep</i>	پایان end, conclusion
بین المللی international	پایان بخشیدن to end <i>vt</i>
بینایی eyesight, vision	پایان بُردن to end <i>vt</i>
بینش insight, perspicacity	پایان دادن to end <i>vt</i>
بینوا poor, destitute, miserable	پایان ناپذیر endless
بی‌نیاز needless, free from want	پایان یافتن to end <i>vi</i>
بی‌وقفه without interruption, non-stop	پایداری endurance, steadfastness
بیهوده futile(ly)	پایگاه base
پا foot, leg; unit of measurement	پایمردی help provided selflessly
پابوسی honor of being present [lit: foot-kissing]	پایه leg(s) (e.g., chair), foundation, base; degree, grade
پا را از ... فراتر گذاشتن to overreach oneself	پایین bottom, lower part, downstairs; below
پا شدن to get up, to stand up	پایین انداختن to throw down, to drop
	پایین آمدن to descend, to come down